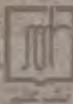


# محاکه انسان و حیوان

از سلسله

## الخلائق الصفا

ترجمه  
عبدالله مستوفی  
به اهتمام غزاله باستانی



# محاكمه انسان و حیوان

- 
- عنوان قراردادی : رسائل اخوانالصفا .فارسی .برگزیده عنوان و نام پدیدآور : محاکمه انسان و حیوان از رسائل اخوانالصفا / ترجمه عبدالله مستوفی؛ به اهتمام غزاله باغستانی .
- مشخصات نشر : تهران: نشر علم، ۱۴۰۰.
- مشخصات ظاهري : ۳۹۲ ص؛ رقعي
- شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۲۴۶-۲۵۹-۸
- فهرستنويسي : فيپا
- يادداشت : کتاب حاضر برگزیده «رسائل اخوانالصفا» است.
- موضوع : فلسفه اسلامی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
- موضوع : Islamic philosophy -- Early works to 20th century :
- شناسه افزوده : مستوفی، عبدالله، ۱۲۵۵-۱۳۲۹، مترجم
- شناسه افزوده : باغستانی، غزاله
- شناسه افزوده : اخوانالصفا
- ردهندی کنگره : BBR1۸۵
- ردهندی دیوبی : ۱۸۹/۱
- شماره کتابشناسی ملی : ۷۵۷۲۷۴۱
-

# محاكمه انسان وحيوان

از رسائل اخوان الصفا

ترجمه

عبدالله مستوفى

به اهتمام

غزاله باغستانی



## محاکمه انسان و حیوان از رسائل اخوان الصفا

ترجمه عبدالله مستوفی  
به اهتمام غزاله باگستانی

چاپ اول: ۱۴۰۰  
شمارگان: ۵۵۰ نسخه  
لیتو گرافی: ترنج رایانه  
چاپ: مهارت نو  
قطع: رقیع

شابک: ۸-۲۵۹-۲۴۶-۶۲۲-۹۷۸



حق چاپ محفوظ است.

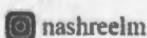
تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین  
خیابان شهدای ژاندارمری، بن بست گرانفر، پلاک ۴  
تلفن: ۰۲۱ - ۶۶۴۱۲۳۵۸



[Www.elmpub.com](http://Www.elmpub.com)



[info@elmpub.com](mailto:info@elmpub.com)



nashreelm

## فهرست مطالب

۱۶	گزارش کار.....
۱۸	درآمد .....
۱۹	اخوان الصفا و خلان الوفاء .....
۲۷	اندیشه های اخوان الصفا .....
۳۳	رسائل اخوان الصفا .....
۳۷	ساختار رسائل.....
۳۹	خلاصه داستان محاکمه انسان و حیوان .....
۵۵	جایگاه داستان محاکمه انسان و حیوان در رسائل .....
۵۹	رسائل اخوان الصفا در ایران .....
۶۶	ترجمه های این داستان .....
۷۱	عبدالله مستوفی در یک نگاه.....
۷۷	مقایسه ترجمه با متن عربی آن .....
۷۷	بررسی کلی.....
۷۸	حذفیات و تلخیص .....
۷۹	ترجمه نادقیق .....
۸۰	نارسایی و نادرستی های ترجمه .....

بررسی جزئی.....	۸۲
معادل گذاری‌ها و افزوده‌ها.....	۸۲
بررسی افعال.....	۹۲
مقدمه [متجم].....	۹۴
هشتمین رساله جسمانیات و طبیعتیات .....	۹۹
فصل ۱ : [دریابان معدنیات].....	۱۰۲
فصل ۲ : [در توصیف نباتات].....	۱۰۳
فصل ۳ : [دریابان انواع حیوانات].....	۱۰۴
فصل ۴ : [دریابان از خاک آفریده شدن حیوانات و تقدّم زمانی آنها بر انسان‌ها].....	۱۰۵
فصل ۵ : [در مقایسه نحوه قرارگرفتن اندام‌های نباتات و حیوانات و انسان‌ها بر روی زمین و ارتباط آن با نحوه سریان قوای نفس کلی از بالای فلک محیط].....	۱۰۷
فصل ۶ : [دریابان مراتب حیوانات از حیث برخورداری از همه یا از بعضی از حواس پنجه‌گانه].....	۱۱۰
فصل ۷ : [در توصیف نوع حرکات و ساختمان بدن برخی از حیوانات].....	۱۱۲
فصل ۸ : [دریابان کمال بدنی بعضی از حیوانات و نیز طبقه‌بندی و وجه تسمیه آنان].....	۱۱۴
فصل ۹ : [دریابان عجایب خلقت حیوانات و انسان].....	۱۱۷
فصل ۱۰ : [در پرهیز دادن آدمیان از غفلت ولزوم عادت سنتیزی].....	۱۲۰

فصل ۱۱ : [در بیان فوائد بدن انسان] ..... ۱۲۱
فصل ۱۲ : [در بیان اینکه هر حیوان که ساختمان آن تمام ترو صورت آن کامل‌تر باشد حاجتش برای بقای شخص و نسل خود به اعضای زیاد و ادوات مختلف بیشتر و آنکه ناقص‌تر و صورتش پست‌تر باشد حاجتش برای بقا به این ادوات کمتر است]. ..... ۱۲۴
فصل ۱۳ : [در بیان تناسب بدن درندگان گوشت خوار با نوع خوراک آنان] ..... ۱۳۰
فصل ۱۴ : [در طبقه بندی حیوانات] ..... ۱۳۱
فصل ۱۵ : [بیان روز عددی ساختمان بدن حیوانات تام‌الخلقه] ..... ۱۳۲
فصل ۱۶ : در اختلاف احوال پرندگان و اوقات پریدن و موقع هیجان و جفت‌خواهی و کیفیت لانه‌سازی و اصلاح آن و کمیت تخم و مدت خوابیدن روی تخم و پرورش جوجه‌ها ..... ۱۳۴
فصل ۱۷ : [در وصف چگونگی پرواز هر یک از پرندگان و تناسب و موزونی بدن آنان] ..... ۱۴۰
فصل ۱۸ : بیان بد و خلقت انسان ..... ۱۴۲
فصل ۱۹ : [ادامه سخنرانی قاطر، نماینده حیوانات در باب تقدم زمانی آنان بر انسیان و انواع ستم‌های انسیان به آنان و تصمیم پادشاه مبنی بر تشکیل جلسه محاکمه] ..... ۱۴۹
فصل ۲۰ : در بیان سبب و علت اختلاف صورت حیوانات ..... ۱۵۳
فصل ۲۱ : در بیان جودت حواس در حیوانات ..... ۱۵۷
فصل ۲۲ : در بیان شکایت حیوان از جور انسان ..... ۱۵۹

فصل ۲۳ : در بیان مزیت اسب بر سایر چهار پایان و غیر آنها ..... ۱۶۷
فصل ۲۴ : در منفعت و فائدۀ مشاوره برای مردمان صاحب حکم ..... ۱۷۲
فصل ۲۵ : در بیان عداوت بین جن و انس و چگونگی ایجاد این دشمنی ..... ۱۷۸
فصل ۲۶ : در بیان اینکه مردم اسرار پادشاهان را چگونه درک می کنند ..... ۱۸۶
فصل ۲۷ : [در بیان رایزنی حیوانات] ..... ۱۹۱
فصل ۲۸ : در بیان تبلیغ رسالت ..... ۱۹۳
فصل ۲۹ : در بیان خصائص و اخلاق و صفات سفیر ..... ۱۹۹
فصل ۳۰ : [انجمن کردن و گفتگوی پزندگان دانه خوار برای انتخاب نماینده] ..... ۲۰۶
فصل ۳۱ : [انجمن کردن و گفتگوی حشرات برای انتخاب نماینده] ..... ۲۱۶
فصل ۳۲ : [انجمن کردن و گفتگوی مرغان شکاری برای انتخاب نماینده] ..... ۲۱۹
فصل ۳۳ : [انجمن کردن و گفتگوی حیوانات آبی برای انتخاب نماینده] ..... ۲۲۵
فصل ۳۴ : در بیان مهربانی اژدها بر هوا و دلسوزی او بر آنها ..... ۲۳۱
فصل ۳۵ : در سخنرانی صرصر و فلسفه او ..... ۲۳۳
فصل ۳۶ : [افتتاح جلسۀ محاکمه با سخنان پادشاه و سخنرانی حکیمی از فلسفه جن در باب تنوع و شگفتی مخلوقات] ..... ۲۴۳

فصل ۳۷ : [سخنرانی مرد عراقی در وصف و مدح سرزمین و مردم ایران زمین و بیان فضائل و مناقب ایشان و نقد آن به وسیله یک تن از جنیان] ..... ۲۴۸
فصل ۳۸ : [سخنرانی مرد هندی در بیان مناقب هندوستان و هندیان] ..... ۲۵۲
فصل ۳۹ : [سخنرانی مرد عبرانی در بیان فضائل و مناقب بنی اسرائیل] ..... ۲۵۴
فصل ۴۰ : [سخنرانی مرد سریانی در بیان مناقب مسیحیان] ..... ۲۵۶
فصل ۴۱ : [سخنرانی مرد قوشی در بیان فضائل قوم عرب و مسلمانان] ..... ۲۵۸
فصل ۴۲ : [سخنرانی مرد یونانی در بیان فضائل و مناقب قوم یونانی] ..... ۲۶۱
فصل ۴۳ : [سخنرانی مرد خراسانی در بیان فضائل و مناقب خراسانیان] ..... ۲۶۴
فصل ۴۴ : در بیان صفات و اخلاق شیر و خصال خوب و بد او میان درندگان و وحوش ..... ۲۶۷
فصل ۴۵ : در بیان صفات سیمرغ و وصف جزیره‌ای که در آن منزل دارد و حیوان و نبات آن جزیره ..... ۲۷۰
فصل ۴۶ : در بیان وصف اژدها و تئین و غرابت خلقت و مهیبی منظر آنها ..... ۲۷۲
فصل ۴۷ : [سؤال پادشاه از انسیان مبنی بر اینکه به چه سبب آنان در قیاس با حیوانات، پادشاهان متعدد دارند] ..... ۲۷۸

فصل ۴۸ : در بیان فضیلت زنبور عسل و کارهای عجیب و چگونگی احوالات او و مزایایی که خداوند تعالیٰ به او داده و به سایر حشرات نداده است ..... ۲۸۲
فصل ۴۹ : در اطاعت جن‌ها به رؤسا و پادشاهان خود ..... ۲۸۹
فصل ۵۰ : [سخن نماینده رومیان در بیان فضائل علمی و فرهنگی خود و پاسخ زنبور عسل به او] ..... ۲۹۴
فصل ۵۱ : [دلائل مرد عرب بر افضلیت آدمیان نسبت به حیوانات از حیث پاکیزگی و تنوع مأکولات و مشروبات] ..... ۳۰۱
فصل ۵۲ : [سخنرانی هزار دستان در نقد دلائل مرد عرب و اشارت به بیماری‌ها و دیگر گفتاری‌های آدمیان] ..... ۳۰۳
فصل ۵۳ : [سخنرانی شخص عبرانی اهل عراق در باب مخصوص بودن انسیان به عبادات و کتاب‌های آسمانی و نقد آن به وسیله هزار دستان] ..... ۳۱۱
فصل ۵۴ : [ادامه سخنان مرد عبرانی اهل عراق در بیان زیبایی و تنوع البسه و مفروشات آدمیان] ..... ۳۱۹
فصل ۵۵ : [گفتار کلیله، نماینده درندگان در مقایسه پوشش آدمیان با پوشش حیوانات و سخنان نماینده انسیان در باب قسی القلب بودن و پر ضرری و کم نفعی درندگان و پاسخ نماینده درندگان] ..... ۳۲۱
فصل ۵۶ : [گفتار نماینده فارسی انسیان در بیان طبقات آدمیان] ..... ۳۳۰

- فصل ۵۷ : [سخنرانی طوطی در باب مقایسه طبقات انسیان با طبقات جانوران و انتقاد از نحوه عمل انسیان] ..... ۳۳۲
- فصل ۵۸ : [سخن رئیس حکما در باب اینکه خداوند ملائکه‌ای را مأمور مراقبت از جمله حیوانات کرده و اینکه رئیس آنان نفس ناطقه کلی انسانیت است که جانشین خدا بر زمین است] ..... ۳۳۷
- فصل ۵۹ : [سخن طوطی نماینده پرنده‌گان شکاری در باب اینکه تفاخر آدمیان به هنرها، صنایع، پژوهش اولاد و حضور خطبا، شعراء، متکلمین، مذکرین و منجمین بی مورد است و این امور میان حیوانات به طور کامل تروجود دارد اما آنها درنمی‌یابند] ..... ۳۴۳
- فصل ۶۰ : [سخنان طوطی در باب ترجیح استعمال سنن شرایع الهی بر استفاده از احکام نجوم و طب و فلسفه و دیگر فرآورده‌های تمدن بشری در پیش‌بینی و دفع رویدادهای ناگوار] ..... ۳۵۱
- فصل ۶۱ : [تحلیل دینی حکیم عبرانی و تحلیل علمی حکیم یونانی از نحوه خانه سازی موریانه و تأیید و تکمیل سخن حکیم یونانی به وسیله صرسرا] ..... ۳۶۶
- فصل ۶۲ : [گفته هزارستان درباره وحدت صورت آدمیان و اختلاف وکثرت نفوس آنان و پاسخ دانشمند فارسی] ..... ۳۷۳
- فصل ۶۳ : [سخنرانی نماینده هندیان در باب کثرت تعداد و نوع و جنس اولاد آدم] ..... ۳۷۸

فصل ۶۴ : [استدلال برخی از نمایندگان حیوانات در درد سخن نماینده هندیان و سرانجام حکم پادشاه مبنی بر این که تا سرآمدن دور قمری باید حیوانات در اطاعت اولاد آدم باشند] ..... ۳۸۰
فهرست منابع و مأخذ درآمد ..... ۳۸۹

## شخصیت‌های داستان<sup>۱</sup>

- اژدها (پادشاه هواوم)  
اسب (نماینده حیوانات در درگاه بیراست)  
اضطربین نامان از آل کیوان (از جنیان حاضر در مجلس سلیمان نبی)  
الغ (از نمایندگان حیوانات در درگاه بیراست حکیم)  
افعی (وزیر اژدها)  
آصف بن برخیا (از انسیان حاضر در پیشگاه سلیمان نبی)  
بیراز (فیلسوف و حکیم، وزیر بیراست)  
بیراست حکیم (پادشاه جنیان، لقب او شاه مردان)  
بلنگ (از درندگان مشورت دهنده به شیر)  
تنین (پادشاه حیوانات آبی)  
حکیم آل کیوان / حکیم کیوانی (از مشاوران بیراست حکیم)  
خر (از نمایندگان حیوانات در درگاه بیراست حکیم)  
خرگوش (از نمایندگان حیوانات در درگاه بیراست حکیم)

---

۱. فهرست حاضر توسط آماده کننده متن افزوده شده است.

خروس اذانگو (از پرندگان دانه خوار که برای یافتن بهترین نماینده به طاووس مشورت می‌دهد)

خوک (از نماینده‌گان حیوانات نزد بیراست حکیم)

دانشمند فارسی (نماینده آدمیان در درگاه بیراست)

دزاچ جارچی / دزاچ خواننده (از پرندگان دانه خوار که برای یافتن بهترین نماینده به طاووس مشورت می‌دهد)

روبهای (از درندگان که برای یافتن بهترین نماینده به شیر مشورت می‌دهد)

رئیس حکمای جن از آل نعمان (از مشاوران بیراست حکیم)

رئیس فقهای جن از آل ناهید (از مشاوران بیراست حکیم)

زنبور (نماینده حشرات و پادشاه آنها)

سریانی (نماینده آدمیان در درگاه بیراست)

سگ (از درندگان که برای یافتن بهترین نماینده به شیر مشورت می‌دهد)

سیمیغ / سیمیغ مغرب (پادشاه مرغان شکاری)

شاهمرغ (پادشاه پرندگان دانه خوار)

شتر (از نماینده‌گان حیوانات نزد بیراست حکیم)

شخص عبرانی (نماینده آدمیان در درگاه بیراست)

شیر (پادشاه درندگان)

صاحب رأی بهرامی (از مشاوران بیراست حکیم)

صاحب عزیمت (قاضی واز مشاوران بیراست حکیم)

صرصر / زنجره (نماینده خزندگان)

طاووس (وزیر شاهمرغ پادشاه پرندگان دانه خوار)

طوطی (نماینده پرندگان شکاری)

عزازیل (شیطان)

- فردی از اولاد عباس (نخستین نماینده آدمیان در درگاه بیراست)  
فیل (از نمایندگان حیوانات در درگاه بیراست)  
قاطر (نخستین نماینده حیوانات در درگاه بیراست)  
قرشی (نماینده آدمیان در درگاه بیراست)  
قورباغه (نماینده حیوانات آبری)  
کفتار (از درندگان که برای یافتن بهترین نماینده به شیر مشورت می‌دهد)  
کلبله / شغال (نماینده درندگان در درگاه بیراست)  
گاو (از نمایندگان حیوانات نزد بیراست)  
گریه (از درندگان که برای یافتن بهترین نماینده به شیر مشورت می‌دهد)  
گرگ (از درندگان که برای یافتن بهترین نماینده به شیر مشورت می‌دهد)  
گوسفند (از نمایندگان حیوانات در درگاه بیراست حکیم)  
مرد خراسانی (نماینده آدمیان در درگاه بیراست)  
مرد عبرانی / اسرائیلی (نماینده آدمیان در درگاه بیراست)  
مرد هندوستانی / نماینده هندی (نماینده آدمیان در درگاه بیراست)  
مرد عراقي (نماینده آدمیان در درگاه بیراست)  
موش (از درندگان که برای یافتن بهترین نماینده به شیر مشورت می‌دهد)  
میمون (از درندگان که برای یافتن بهترین نماینده به شیر مشورت می‌دهد)  
نماینده رومی (نماینده آدمیان در درگاه بیراست)  
هزارستان خوش‌خوان (نماینده پرندگان دانه خوار)  
هما (وزیر سیمرغ)  
یوز (از درندگان که برای یافتن بهترین نماینده به شیر مشورت می‌دهد)  
یونانی (نماینده آدمیان در درگاه بیراست)

## گزارش کار

کتاب پیش رو، داستان محاکمه انسان و حیوان، اثری کمتر شناخته شده ولی مهم از نویسنده بزرگ معاصر، خالق کتاب مشهور شرح زندگانی من، عبدالله مستوفی است که نخستین بار در سال ۱۳۲۴ توسط کتابفروشی محمدعلی علمی به چاپ رسیده است. این کتاب ترجمة داستان فلسفی ورمزی بلندی از دایرة المعارف فلسفی اخوان الصفا یعنی رسائل اخوان الصفا است. فارغ از ارزش متن اصلی، ترجمة مستوفی از آن، از جمله ترجمه‌های دقیق و شیوه‌ای این داستان است که ارزش آن را دوچندان کرده است. اما این ترجمة ارزشمند، به رغم اهمیتش، متأسفانه تا امروز هیچ‌گاه تجدید چاپ نشده است. راقم این سطور با توجه به اهمیت علمی و ادبی این ترجمه و دور ماندن آن از چشم دوست‌داران اینگونه مباحثت، برآن شد تا آن را برای چاپ دوباره آماده کند و در دسترس عموم علاقه‌مندان قرار دهد. در این راستا متن چاپی کتاب بازخوانی شد و تا حد امکان سه‌ها و غلط‌های آن اعم از چاپی و یا احتمالاً ترجمه‌ای، از هنگذر مقابله با متن عربی چاپی و نسخه برگدان رسائل متعلق به کتابخانه فیض الله افندی که به همت انتشارات میراث مکتوب منتشر شده، برطرف شد. واژگانی که

ممکن بود خواندن متن را برای خوانندگان دشوار کند، اعراب گذاری و معنا شد. توضیحات اینجا نسبت به نشانه (ب) مشخص شده تا از پاورپوینت های مترجم متمایز شود. در همه مواردی که ترجمه یا متن آیات قرآن کریم در متن آمده، نشانی آنها ذکر شده است. تمامی فصول کتاب شماره گذاری و فصولی از داستان که عنوان نداشت عنوان گذاری و داخل [...] نهاده شد. و به منظور تسهیل فهم متن، درآمدی بر کتاب افزوده شد تا مخاطبان با نویسنده کتاب اخوان الصفا، اندیشه های آنان و جان کلام داستان و به نوعی شان نزول آن و دیگر ترجمه های آن آشنا شوند. همچنین صفحاتی از ترجمه مستوفی با متن عربی آن مقایسه شد تا نوع ترجمه مترجم و شیوه کار او مشخص شود. سرانجام معرفی مختصری نیز از مترجم به عمل آمد تا ادای دینی کوچک باشد به این نویسنده بزرگ.

غزاله باستانی

تابستان ۱۳۹۹

## دراآمد

داستان محاکمه انسان و حیوان، داستانی بلند از رساله جسمانیات- طبیعتیات، درباره حیوانات، رسائل /اخوان الصفا و خلان الوفا است. این داستان در اصل متن عربی عنوان ندارد و تنها پس از اتمام داستان در انتهای رساله حیوانات عبارت «تقت رسالت الحیوانات» آمده است. عبدالله مستوفی مترجم این داستان، نام "محاکمه انسان و حیوان" را بر آن نهاده است. او رساله هشتم از بخش جسمانیات طبیعتیات را با نام "در کیفیت تکوین حیوانات و اقسام آنها" به طور کامل ترجمه کرده که در واقع این داستان جزوی از آن رساله است و رساله با آن تمام می شود. تا آنجا که اطلاع داریم حداقل هشت ترجمه کامل و تلخیص گونه ازین داستان در زبان فارسی وجود دارد؛ نکته در خور توجه در اینجا آن است که این داستان در قرون مختلف - جدا از متن کامل رسائل - مطعم نظر ادب واقع شده است. این داستان که با نام های متفاوتی در زبان فارسی نام گذاری شده، گزارش مناظره و محاکمه ای است که میان آدمیان و حیوانات برگزار شده، در محفل و محکمه ای مشکل از جنیان که حاکم و داور نهایی آن پادشاه جنیان است.

پیش از معرفی ترجمه حاضر، نگاهی اجمالی به هویت جمعیت اخوان الصفا، اندیشه ها و رسائل آنها خالی از لطف نیست.

## اخوان الصفا و خلان الوفاء

استقرار خلافت فاطمیان در ۲۹۷ تا مرج هشتمین خلیفه فاطمی در سال ۴۸۷ هـق را عصر طلایی مذهب اسماعیلی دانسته‌اند، دوره‌ای که اسماعیلیان موفق به ایجاد دولتی مقتصد روپروردن اندیشه‌ها و ادبیاتی غنی شدند. اگرچه آنها نتوانستند به هدف اصلی خود یعنی وحدت بخشیدن به دنیای اسلام تحت پرچم خلافت شیعی با پیشوایی امام یا خلیفه فاطمی دست یابند اما نقش بزرگی در تمدن اسلامی ایفا کردند و سهم آنها در این تمدن به اندازه‌ای است که قرن چهارم را قرن اسماعیلی اسلام نامیده‌اند (دفتری، ۱۳۷۵: ۱۶۹-۱۷۰). اسماعیلیه همواره با حکومت عباسی و به طور کلی سینیان در کشمکش بودند و همین امر سبب شد که اسماعیلیان جمعیت‌های سری تشکیل دهند و در خفا به تبلیغ اندیشه‌های خود پردازنند. از همین رو تها عده‌ای محدود بودند که با حقیقت افکار و تعالیم آنها آشنا شدند. جمعیت اخوان الصفا یکی از همان گروه‌های مخفی ای بود که نام‌های خود را پنهان نگاه داشته بودند و آنچه که درباره آنها می‌دانیم از منابع دیگر است. اخوان الصفا پیروان و مخاطبان خود را با نزدیک شدن به آنها می‌یافتند، تا جایی که مردم گمان کنند اخوان از خود ایشانند و زمانی

که در شخصی عقل و خرد مورد نظر خود را می دیدند حقیقت دعوت را براو آشکار می کردند (فاحوری و جر، ۱۳۸۱؛ ۱۶۸، ۱۷۰).

قرن چهارم، قرن رونق علوم بود، دوره‌ای که فلسفه یونان رواج بسیار یافته بود و مسلمانان به ترویج آن پرداخته بودند و غالباً گرایش فیشاگوری و افلاطونی داشتند. فیلسوفان مسیحی و مسلمانی همچون متی بن یونس و فارابی به دنبال بومی کردن میراث فرهنگی باستان در تمدن اسلامی بودند. در واقع کار آنان ادامه نهضت ترجمه بود؛ آنها ترجمه‌های پیشین را اصلاح می کردند، واژگان جدید می ساختند و بر آنها شرح و تفسیر می نوشتند. مجالس فلسفی این عصر مجمعی بود از مسلمانان، یهودیان، مسیحیان، مانویان و زرتشیان، احتمالاً این گردهمایی‌ها بر مبانی دینی استوار نبوده بلکه به تعبیر امروز مبتنی بر نوعی انسان‌گرایی و جهان‌وطنه بوده است. در این زمان بیشتر فرق اسلامی به دنبال تثبیت عقاید خود به نیروی فلسفه بودند؛ در نتیجه چندان شکفت نمی نماید که از میان اسماعیلیه، اخوان‌الصفا با تمایلات فلسفی ظهر کنند و حاصل مطالعات آنها یعنی رسائل که در ظاهر عرصه نمایش کشمکش‌های فلسفی تا دوره ایشان است اما در باطن تلاش اخوان برای کشف و بیان حقایق فکری خودشان است، پدید آید (فاحوری و جر، ۱۳۸۱؛ ۱۹۰-۱۹۱؛ کرم، ۱۳۷۹؛ ده-یازده).

بصره قرن چهارم یعنی شهری که به احتمال زیاد مؤلفان رسائل برآمده از آن هستند، محیطی است آشنا با افکار و آراء اسطو و افلوطین و حتی متون مجموع ارسطویی مانند اثیولوجیای ارسطو که بیشتر با فلسفه افلوطین مشترک است تا با فلسفه اسطو و از همین روالتقااطی و تلفیقی دانستن آراء و اندیشه‌های مطرح شده در رسائل چندان عجیب نمی نماید. در واقع رسائل اخوان‌الصفا که محصول تضارب آراء و اندیشه‌ها در همین دوره است

دایرة المعارفی علمی از فلسفه اسلامی است به زبان عربی و ارزش آن در کامل بودن و منظم ساختن نتایج تحقیقات اسلامی است (Lane-poole، ۱۹۶۰: ۳۸۷؛ ۱۳۸۹: ۶۴؛ الف: ۱۳۵۹). نقل در نصر، ۱۹۱۹: ۳۸۷). کتابی که صدای اندیشه‌های مختلف در آن شنیده می‌شود و هر اندیشه صدای خاص خود را دارد و بر دیگری ارجحیت ندارد، مسئله‌ای که اخوان‌الصفا خود به آن تصریح کرده‌اند و داستان محاکمه انسان و حیوان یکی از نمودهای بارز این چند صدایی است (اخوان‌الصفا، ۱۴۱۲ ج. ۲۸۹-۲۹۰، ۳۳۸ ج. ۳۰: ۷۷).

منابع و مأخذ مختلف از وجود حلقه‌ای از کاتبان و دانشمندان در قرن چهارم در بصره که اهل صفا بوده و ادعای تشیع داشته و به اسماعیلیه وابسته بودند خبر داده‌اند. گفته شده که آنها پنجاه تا پنجاه و سه رساله به صورت پنهانی در باب همه بخش‌های فلسفه- ابواب علمی و عملی آن-نوشته‌اند و آن مجموعه را رسائل اخوان‌الصفا و خلان‌الوفاء نام نهاده و نام‌های خود را پنهان کرده‌اند. در نتیجه می‌توان گفت رسائل در نیمه دوم قرن چهارم (تقریباً هم زمان با فتح مصر به دست فاطمیان) در بصره که کانون تصادم بین عقاید و افکار و مرکز نشر مذاهب و آراء تازه محسوب می‌شد، نوشته و تدوین شده است.

در باب هویت مؤلفان رسائل اخوان‌الصفا میان محققان وحدت نظری وجود ندارد، برخی آنان را از اسماعیلیه<sup>۱</sup> شمرده و عده‌ای نیز این ادعا را رد

۱. محققانی همچون پول کازانووا خاورشناس فرانسوی و مادلونگ در نوشتۀ‌های مختلف خود در صدد تأیید انتساب اخوان به اسماعیلیه برآمده‌اند (خراسانی، ۱۳۶۷: ۲۴۳). کازانووا نخستین محقق اروپایی است که به منشاء اسماعیلی رسائل اشاره کرده است (دفتری، ۱۳۷۵: ۳۱).

در واقع موافقان این انتساب ظهور اخوان را جزوی از برنامه وسیع

کرده‌اند<sup>۱</sup> و گروه سومی نیز هستند که آنان را مسلمان ندانسته‌اند. از جمله کسانی که در صدد توضیح چرا بی انتساب اخوان‌الصفا به اسماعیلیه برآمده‌اند دکتر حسین نصر است. او دلیل این انتساب را استفاده اسماعیلیه در دعوت خویش از رسائل شمرده، همچنین مشترکات تعالیم هر دو یعنی «مسئله تأویل» را دلیل دیگری برای این انتساب می‌داند است. نصر، اخوان‌الصفا را به طور کلی شیعه و متمایل به افکار عرفانی دانسته و دلیل اونوع نگاه ایشان به طبیعت است چراکه این نگاه در عالم تشیع- اسماعیلی و اثنی عشری- اثرگذار بوده و عرفا و حکمایی مانند ابن عربی و ملاصدرا از قائل به این جهان‌شناسی بوده‌اند. دلیل دیگر، انتساب نگارش رسائل، بنابر روایات اسماعیلی، به امام احمد بن عبد الله، پسر محمد بن اسماعیل عبد الله که اولین امام از دو میں زنجیره امامان هفتگانه اسماعیلیه و نواده محمد بن اسماعیل، است (ابوحیان توحیدی، بی‌تا: ۲۵؛ دفتری، ۱۳۷۵: ۳۱؛ ۲۸۳، ۳۱؛ نصر، ۱۳۵۹: ۲۶؛ همدانی، ۱۴۲۷؛ زرین‌کوب، ۱۳۶۹: ۲۷۲).<sup>۲</sup>

دیگر محققانی که اخوان‌الصفا را منسوب به اسماعیلیه می‌دانند، به گروه‌ها و سازمان‌های مخفی اسماعیلیه، علاقه آنان به معانی باطنی و

اسماعیلیه برای نیل به اهداف خود و نتیجه طبیعی تطور اوضاع سیاسی اجتماعی بلاد عرب دانسته‌اند (فاحوری و جر، ۱۳۸۱: ۱۹۰).

۱. عبد‌الرحمن بدوى بانقل عقاید اسماعیلیه و مقایسه آن با عقاید اخوان‌الصفا، اسماعیلی مذهب بودن اخوان را رد کرده است (بدوى، ۱۳۷۴: ۳۲۲). زرین‌کوب نیز صرف شباهت اقوال اخوان به تعالیم اسماعیلیه، انتساب آنان را به اسماعیلیه کافی ندانسته است و صبغة التقاطی رسائل را برجسته کرده است. این التقاط در متن داستان محاکمه، از زبان بونانی نیز مشهود است و از جمله مواردی است که زرین‌کوب به عنوان شاهد مدعای خویش نقل کرده است (زرین‌کوب، ۱۳۶۹: ۲۷۳-۲۷۵).

تأویل، تمسک به فلسفه نوافلاطونی، اعتقاد به اینکه دنیا عالم کبیر و انسان عالم صغیر است، رذائلی وابدی بودن جهان و اعتقاد به ادوار و اکوار استناد می‌جویند و اخوانالصفا رایکی از آن جمعیت‌های سری می‌دانند (فاحوری و جر، ۱۳۸۱، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۷۰، ۱۷۲). این شباهت‌ها ظلت انتساب اخوان به اسماعیلیه را قوی تر می‌سازد. همچنین برخی از مخالفان عقاید اخوان، به باطنی‌گری نظام فکری آنان یعنی وارد کردن فلسفه به اسلام شیعی/اسماعیلیه اعتراض کرده‌اند. همچنین گفته‌اند که آموزگاران آنها یعنی ارسسطو، سقراط و افلاطون در تعالیم خود به مفاهیم ظاهر و باطن اشاره نکرده‌اند و این سخنان از افکار و تعالیم قداحیه/اسماعیلیه در اسلام است (کرم، ۱۳۷۹: ۳۱۳).

مخالفان این انتساب براین عقیده‌اند که صبغة شیعی دعوت اخوان جنبهٔ ترغیبی داشته است، درواقع آنان به دنبال جذب توده‌ای بودند که عواطف آنها جریحه دار شده بود. در اصل اخوان به هیچ فقه و مذهبی تعلق نداشتند و با ترکیب اسلام و فلسفه یونانی مكتب معنوی جدیدی ایجاد کردند که جایگزین ادیان تاریخی شود و مقبول همگان واقع گردد (فرخ، ۱۳۶۲: ۴۰۹). این مخالفان همچنین براین باورند که مؤلفان رسائل نه از داعیان فاطمی بودند و نه از کیش اسماعیلی تبعیت می‌کردند، درواقع اخوانالصفا نوعی از فلسفه نوافلاطونی اسماعیلیه و تعالیم هفتمنی امام مستور آنان یعنی محمد بن اسماعیل را پذیرفته بودند (دفتری، ۱۳۷۹: ۲۸۴-۲۸۵).

اولین منابع و مأخذ مختلف اسلامی تا پیدایش تحقیقات جدید اروپایی، درباره انتساب این رسائل به اسماعیلیه نظرات مختلفی ارائه کرده‌اند. تعیین تاریخ پیدایش فرقه اسماعیلیه و نهضت خلافت فاطمی و

روابط فکری، عقلی و سیاسی بین اسماعیلیه، باطنیه و قرامطه دشوار است، ولی با نظر به رساله الجامعه (رساله پنجه‌اه دوم رسائل اخوان الصفا) فرض اسماعیلی بودن این جماعت محرز می‌شود. بنابراین بهتر است که همه این گروه‌ها را تحت عنوان اسماعیلیه بشناسیم (نصر، ۱۳۵۹: ۵۲).<sup>(۵۱)</sup>

اخوان الصفا برای تحقق اهداف خود، هویت شان را مخفی نگه می‌داشتند و حتی به پیروان خود تأکید می‌کردند که در حفظ و تعلیم رسائل سختگیر باشند، جنبه رمزی کلام خود را آشکار نسازند و در همین راستا حقیقت امور و آراء خود را از دیگران پنهان می‌کرند و از فلسفه به همان مفهوم قدیم و عام خود سخن می‌گفتند. همچنین آنها هیچ‌گاه خود را فیلسوف نخواندند بلکه بیشتر ادیب بودند، برخی از محققانی که دریاب آنان سخن گفته‌اند هم نه تنها از آنان با عنوان فیلسوف یاد نکرده‌اند بلکه مشی آنان را متفاوت از فلاسفه روزگار خود دانسته‌اند. به اعتقاد آنان اخوان الصفا به دنبال آن بودند که یک نظام فکری انقلابی را جانشین تعالیم اسلامی کنند، برخلاف فلاسفه که به دنبال حفظ نظم سیاسی و اجتماعی بودند. آنان همچنین به عنوان شاهد مدعای خویش به این نکته اشاره می‌کنند که در مجالس ابوسلیمان سجستانی علاقه‌ای به موضوعات فلسفی وجود نداشته و مجلس آنان همانند جماعت اخوان الصفا بوده و تفکری رازوارانه داشته‌اند و حتی در توضیح عقاید اخوان الصفا تعالیم آنان را نزدیک به موضع فلاسفه مطرح می‌کرند (فاخوری و جر، ۱۳۸۱: ۱۹۶؛ کرم، ۱۳۷۹: دوازده، ۱۸۸).

گمانه زنی های مختلفی در باب وجه تسمیه اخوان الصفا صورت گرفته است.<sup>۱</sup> اما فرض برخی از محققان که پنداشته اند این نام برگرفته از قصه حمامه المطوقه در کتاب کلیله و دمنه است، محکم تر می نماید (صفا، ۱۳۷۴: ۲۹۶، ناشناخته، ۱۳۸۷: دو- نه). زیرا در متن رسائل نیز چندین بار به کتاب کلیله و دمنه<sup>۲</sup> و به داستان حمامه المطوقه اشاره شده است، از جمله این فقره: «فاعتبر بحدیث الحمامة المطوقة المذکورة فی كتاب کلیلة و دمنه وكيف نجت من التبکة لتعلم حقيقة ما قبلنا» (اخوان الصفا، ۱۴۱۲: ج. ۱۰۰). نقل وجود چندین داستان دیگر از زبان حیوانات نیز نشان دهنده تأثیر پذیری نویسندها از این کتاب است. در نتیجه تا حدی می توان این نظر را که اخوان الصفا نام خود را از داستان حمامه المطوقه گرفته اند، پذیرفت. اما با توجه به سابقه کاربرد ترکیب «اخوان الصفا» در متون مختلف که به یقین خود اخوان نیز از آن آگاه بوده اند، نمی توان به طور قطع بر نظر محققانی که نام آنها را متأثر از کلیله و دمنه می دانند، صحنه گذاشت و تنها می توان آن را یکی از دلایل برگزیدن این نام دانست. اخوان الصفا خود

۱. محمدتقی دانش پژوه در مقدمه معجم الحکمه به ریشه نام اخوان در متون فارسی و عربی پرداخته است (ناشناخته، ۱۳۸۷: دو- نه). همچنین گلدبیه معتقد است که نام اخوان الصفا برگرفته از داستان کبوتر طوقدار کلیله و دمنه است اما شرف الدین خراسانی این نظر را رد کرده و منشاء نام اخوان را از متون صوفیه دانسته است (خراسانی، ۱۳۶۷: ۲۴۲). نصرنیز این نام را مأخوذا از کلمه صفا در آیه ۳۵ سوره بقره دانسته که در تصوف معنی خاصی پیدا کرده است و می گوید برخی از عرفان کلمه تصوف را مشتق از صفا دانسته اند (نصر، ۱۳۵۹: الف: ۴۷).

۲. رک. رسائل، ج. ۲، ص. ۱۲۴: «کما ذکر بروزیه الطبیب فی كتاب کلیلة و دمنه أن الزَّرَاعَ أَوْ لَمْ يَرِعْ لِلْعُشَبِ بَلْ لِلْحَسَبِ، وَلَا بَدَأَ يَنْبَتُ إِنْ شَاءَ الزَّرَاعَ أَوْ لَمْ يَشَأْ...». وص ۲۴۴، ۳۰۳. وج ۱۱۳ ص ۴.

در رساله‌الجامعه درباب چرایی این نام گذاری می‌گویند: هنگامی که [مردمان] به دانش‌های برتر و هنرهای والا دست یابند و در احتیاجات خویش از دیگران مستغفی گردند سزاوار است که ایشان را اخوان‌الصفا بنامیم. و بدان ای برادر که این نام به حقیقت و نه مجاز درخور آنان است، و بدان ای برادر که برای رسیدن به صفاتی نفس راهی جزر رسیدن به آرامش در دین و دنیا نیست (اخوان‌الصفا، ۱۴۱۲ ج. ۴: ۴۱۱).